



## فلسفه بعثت عبودیت خدا و اجتناب از طاغوت است

دبیر مجمع اسلامی حبل‌الله با اشاره به لزوم ایجاد دوقطبی میان ولایت الله و طاغوت به عنوان خط سیر بعثت پیامبران، انحرافات قهری پیروان حضرات موسی(ع) و عیسی(ع) را در تحقق این امر برشمرد که بعثت پیامبر اکرم(ص)، زمینه برای بازگشت مجدد به آن را فراهم کرد.

دبیر مجمع اسلامی حبل‌الله با اشاره به لزوم ایجاد دوقطبی میان ولایت الله و طاغوت به عنوان خط سیر بعثت پیامبران، انحرافات قهری پیروان حضرات موسی(ع) و عیسی(ع) را در تحقق این امر برشمرد که بعثت پیامبر اکرم(ص)، زمینه برای بازگشت مجدد به آن را فراهم کرد.

مهدی محمدآبادیه گزارش ایکن، در نشست چهارم از فصل دوم سلسله نشست های اندیشه ورزی قرآن و حکمرانی، حجت الاسلام و المسلمین مهدی محمدآبادی، دبیر مجمع اسلامی حبل‌الله، مبحثی را با عنوان «نقش انقلاب اسلامی در نظم جدید جهانی و مناقشه با اسرائیل» ارائه کرد که در ادامه مطالب این مبحث از نظر می‌گذرد:

«در آیات متعددی از قرآن کریم، درباره بعثت انبیای الهی صحبت شده و بعضاً این مسئله در مورد پیامبر اکرم(ص) به صورت خاص مطرح شده است، اما زیربنایی ترین مفهومی که در این روند زنجیره وار و یکپارچه در مورد بعثت پیامبران مطرح می‌شود، مسئله تقابل با طاغوت است.

در آیه ۳۶ سوره مبارکه نحل، چنین عنوان می‌شود که «وَلَقَدْ بَعَثْنَا فِي كُلِّ أُمَّةٍ رَّسُولًا أَنِ اعْبُدُوا اللَّهَ وَاجْتَنِبُوا الطَّاغُوتَ...» بر این اساس فرض بعثت انبیا تحقق دو مسئله بوده که یکی از آنها تحقق عبودیت الله است و دیگری اجتناب مردم از طاغوت. در جهان کنونی شاهد بروز خدانماهایی در قامت بشری هستیم که خود را در مقام و جایگاه خدایی معرفی می‌کنند. براساس این آیه و بسیاری دیگر از اشارات قرآنی و با استناد به کلمه لا اله الا الله باید از قبول ولایت این به اصطلاح کدخداها اجتناب کرد. بنی اسرائیل در ابتدا سهم ویژه ای در تقابل با مظاهر طاغوت داشتند

اگر به قرآن از زوایای گوناگون نگاه کنیم، این امر کاملاً مشهود است که در خط سیر انبیا، این تقابل بسط پیدا کرده و به وضوح ابعاد آن مشخص شده است. مثلاً در سوره مبارکه «اعراف» که از خلقت حضرت آدم(ع) شروع می‌شود، به این درگیری پُررنگ و تقابل میان شیطان و بعد تقابل با طاغوت های انسی اشاره می‌شود تا جایی که در انتها به پیامبر اکرم(ص) می‌رسد. قرآن با بیان بحث بنی اسرائیل و حضرت موسی(ع) چنین بیان می‌دارد که ایشان سهم ویژه ای در این تقابل با مظاهر طاغوت داشتند.

نکته نخست در بررسی موضوع تقابل با طاغوت، این امر است که چنین تقابلی زمینه تحقق ولایت الله است و این موضوع رنگ ثابت حرکت انبیای الهی از آدم(ع) تا خاتم(ص) بوده است. اگر بخواهیم این موضوع را با جهان کنونی مرتبط بدانیم، اساساً بعثت انبیای الهی یعنی زمینه سازی برای تحقق یک نظم نوین جهانی، به این معنی که وقتی تقابل با طاغوت مطرح می‌شود، خداوند زمینه را برای تحقق یک نظم نوین تعبیه کرده است. بی توجهی نظام آموزشی به مؤلفه های نظم نوین جهانی

در نظام تربیتی دینی که حاکم بر محیط مدارس و دانشگاه است، به این نگاه سلبی، یعنی نفی نظم موجود و ایجاد و جایگزینی یک نظم نوین جهانی، کمتر توجه شده و به زوایای گوناگون حرکت انبیای الهی پرداخته نشده است. این همان موضوعی است که انتقاد رهبر معظم انقلاب را در پی داشته است تا جایی که با گذشت ۴۵ سال از وقوع پرشکوه انقلاب اسلامی، نظام مدارس، دانشگاه و حوزه پرداخت مناسبی به آن نداشته اند.

برخلاف نگاه عامیانه که بر نگاهی واحد و عاری از دوقطبی تأکید دارد و عافیت و صلح و آرامش را نتیجه آن می‌داند، اتفاقاً انبیای الهی می‌آیند تا خودشان این دوگانه را ایجاد کنند؛ بلکه کاملاً درست است، دوقطبی نباید ساخته شود، اما بر این امر در ذیل ولایت الله تأکید شده است. انبیا بر این دوقطبی شخصاً تأکید دارند، چرا که آن را موجبات خراب شدن بازی طاغوت می‌دانند و اگر شاهد چنین رویدادی در مقام و جایگاه انبیا نباشیم، اساساً آن‌ها هم یکی همچون بقیه می‌شوند. با محدود کردن دایره ولایت الله در ابعاد فردی و ذهنی و ابعاد غیر تمدن ساز، هیچ طاغوتی دچار مشکل نمی‌شود و در این ساحت تنها با خرج پول و تأمین هزینه امید به بقا دارند و در عمل نیز شاهد چنین مصادیقی هستیم.

اساساً انبیاء درصدد دوقطبی ساختن هستند. آیه ۲۱۳ از سوره مبارکه «بقره» می‌فرماید: «كَانَ النَّاسُ أُمَّةً وَاحِدَةً قَبَعَتَ اللَّهُ التَّيْبِينَ مُبَشِّرِينَ وَمُنذِرِينَ وَأَنْزَلَ مَعَهُمُ الْكِتَابَ بِالْحَقِّ لِيَحْكُمَ بَيْنَ النَّاسِ فِي مَا اخْتَلَفُوا فِيهِ...» وقتی بخواهیم صراط مستقیم را نشان

دهیم، لاجرم دشمن جلوی ما می ایستند که در اینجا باید موضع گرفته شود و این قطاری که به تعبیر حضرت آقا در حال رفتن به سمت پرتگاه است و باید نجات داد، در چنین وضعیتی عده ای می خواهند بروند به سمت پرتگاه و عده ای هم به جهت نجات می خواهند با نبی خدا همراه شوند که چنین وضعیتی دوقطبی و نظم جدید در مقابل نظم موجود را پدید می آورد. اقامه قسط، لازمه تحقق ولایت الهی و نفی حکومت طاغوت است

اما طرح و راهبرد خداوند متعال برای تحقق این مسئله چیست؟ در پاسخ به این پرسش مجدد از آیات قرآن بهره می گیریم. آیه ۲۵ سوره مبارکه حدید می فرماید: «لَقَدْ أَرْسَلْنَا رُسُلَنَا بِالْبَيِّنَاتِ وَأَنْزَلْنَا مَعَهُمُ الْكِتَابَ وَالْمِيزَانَ لِيَقُومَ النَّاسُ بِالْقِسْطِ...». اگر به دنبال تحقق ولایت الهی و نفی حکومت طاغوت هستیم، اقامه قسط توسط ناس از سوی قرآن مطرح می شود یا سرپا شدن و ایستادگی خلق خدا به واسطه رسالات انبیای الهی به اثبات می رسد.

در اشارات قرآنی به منظور برقراری قسط در جامعه، این ناس(مردم) محوریت دارد، هر چند از جمله موضوعاتی است که متأسفانه در طرح واره تعلیمات دینی به ویژه در محتوای درسی مدارس و دانشگاه ها مورد غفلت واقع شده است و در یک کلام باید گفت که هر میزان به آن دوقطبی اصلی و ایجاد یک نظم نوین جهانی بی توجهی شود، به نقش ناس در تحقق آن بی توجهی شده است.

آیه ۱۵۷ سوره اعراف را مجدد باید از این منظر نگاه کنیم. خداوند در این آیه می فرماید: «الَّذِينَ يَتَّبِعُونَ الرَّسُولَ النَّبِيَّ الْأُمِّيَّ الَّذِي يَجِدُونَهُ مَكْنُوزًا عِنْدَهُمْ فِي التَّوْرَةِ وَالْإِنْجِيلِ يَأْمُرُهُمْ بِالْمَعْرُوفِ وَيَنْهَاهُمْ عَنِ الْمُنْكَرِ وَيَجْلِبُ لَهُمُ الطَّيِّبَاتِ وَيُحَرِّمُ عَلَيْهِمُ الْخَبَائِثَ وَيَضَعُ عَنْهُمْ إِصْرَهُمْ وَالْأَغْلَالَ الَّتِي كَانَتْ عَلَيْهِمْ» قَالِذِينَ آمَنُوا بِهِ وَعَزَّرُوهُ وَبَصَّرُوهُ وَابْتِغُوا التَّوْرَ الَّذِي أَنْزَلَ مَعَهُ<sup>۱</sup> أُولَئِكَ هُمُ الْمُفْلِحُونَ» وقتی پیامبر اکرم(ص) مبعوث می شود تا قیود دست و پا گیر دوران جاهلی را که همچون زنجیری از فکر و روح بشر آزاد کند، پیامدش اقامه قسط است و ایجاد نظم نوینی است تا انسان را از استضعاف و استخفاف نجات دهد؛ امری که تا پیش از این مطلوب و مطبوع خدانماهای بشری است، اما در پی پدید آمدن این نظم نوین جهانی با یک درگیری خستگی ناپذیر نیز روبرو خواهیم شد که این امر در امتداد خط سیری است که انبیای الهی بازبران اصلی آن هستند. نمایان شدن جلوه ای از خودآگاهی جمعی در تاریخ انبیا و معاصر

در سوره اعراف این خط سیر نبوی را به وضوح می بینیم، علت آن این است که فرعون شرایطی را پدید آورد گویی خودآگاهی تاریخی برای جمعی از بنی اسرائیل پدید آمد و آنها را مجاب ساخت تا برای رهایی از این شرایط از خدا بخواهند که برایشان ولی و منجی بفرستد تا بر این مشکل فائق آیند.

نکته جالب توجه اینجاست که آنها برای خود و برطرف ساختن این مشکل و نحسی سایه فرعون، نقش قائل هستند. چنین است که بنی اسرائیل به اصطلاح سوگلی اقوام در قرآن شده اند. آنان به یک خودآگاهی جمعی رسیده اند که رمز نجاتشان از بند اسارت و ظلم فرعون اتحاد و دارا بودن هویت جمعی است و باید در این مسیر از تربیت و مصالح فردی گذشت و درصدد ایجاد یک بنیه و روحیه قوی جمعی برآمد.

در زمان پیامبر اکرم(ص) و به ویژه در جریان غزوات آن حضرت و همچنین در دوران معاصر به ویژه در جریان دفاع مقدس نیز ما شاهد بروز چنین خودآگاهی جمعی بودیم، همچنان که آمارها از مشارکت بیش از دومیلیون نفر در جریان جنگ تحمیلی حکایت دارد. چنین حضوری در میدان عمل موجب استقامت و پایداری زایدالوصف و تقویت روحیه جمعی دین مدارانه در میان آحاد ملت شد.

به دست آوردن این روحیه جمعی و البته مداومت و مراقبت از آن بسیار مهم است، چنانکه تمامی انبیای الهی نیز تمام تلاش خود را کردند که ابتدا چنین روحیه و خودباوری و خودآگاهی ابتدا در جامعه بشری شکل گیرد؛ وقتی چنین امری محقق شد، آنگاه این روح جمعی کار خود را به پیش خواهد برد و نظم نوین جهانی با ثبات و استقامت همین اتحاد و انسجام اگرچه ممکن است در اقلیت نسبت به جمعیت جامعه نیز باشد، به وجود می آید تا جایی که حتی می توانند حرفشان را بر ساختار کلان جامعه نیز دیکته کنند.

بنی اسرائیل سردمدار چنین روحیه و باور جمعی در میان اقوام الهی بودند و جهشی که آنها در طول تاریخ انبیا در این زمینه داشتند، زبان زد است. هر چند در ادامه و در طی این مسیر تعالی سرنوشتشان با موضوع قدس و ارض مقدس گره می خورد که آیاتی از سوره مائده نیز به آن اشاره دارد و سبب می شود تا از جایی به بعد پیشرفت و تعالیشان متوقف شده و درجا بزنند. با این وجود همچنان خداوند در جای جای قرآن همچنان به واسطه برهه و مقطع درخشان تاریخی که آنها در ایجاد این نظم نوین رقم زدند، از آنها متوقع است و می خواهد که همچنان بنی اسرائیل را پای کار ببیند.

بعثت عیسی(ع) و رفع منفعت اندیشی بنی اسرائیل

حضرت عیسی(ع) مبعوث می شود تا جلوی این به اصطلاح بیراهه و انحراف رفتن بنی اسرائیل را بگیرد و افکار دنیاگرایی و منفعت اندیشی را که آنها دچارش شده اند از میان بردارد؛ سوره مبارکه «حدید» به این موضوع اشاره دارد و به دنبال یافتن ریشه های اتخاذ چنین روحیه ای از جانب بنی اسرائیل است و پاسخی روشن را نیز برای آن پیدا می کند؛ به تحقیق این دنیاگرایی و زمختی و خشونت رواج یافته در میان این قوم تنها به سبب مبارزه طولانی آنها با فرعون بوده است؛ مبارزه ای طولانی که به سبب ظلم و ستم فرعون، قوم بنی اسرائیل مجبور به انتخاب آن بودند، اما داشتن چنین روحیه ای و تداوم آن موجب شد تا ایشان کم کم روحیه عبودیت را با جنبه هایی از دنیاگرایی معاوضه کنند، امری که با ظهور عیسی(ع) و استراتژی ایشان که ترویج رأفت و مهربانی و رحمت در میان مردم بود، نیز چندان تغییر نکرد، چرا که سال ها مقابله این قوم با ظلم از آنها به مرور انسان هایی ستیزه جو تربیت کرده بود. هر چند در مقابل آموزه های عیسوی نیز نرمش نشان دادند از آن سوی بام افتادند، چرا که رفته رفته آن روحیه مقاوم و ظلم ستیزی که پیش تر در نزد گروهی از آنان وجود داشت، نیز تبدیل به نوع دیگری از رفتار شد و پیامد آن مسامحه و مصالحه ای نامعقول بود تا آن حد که این طیف در برابر ظلم مکرر ظالمان زمان، انعطافی از خود نشان دادند تا زمینه را برای ظلم و دشمنی بیشتر از سوی مخالفان پدید می آورد و حاکمیت چنین تناقضی در جامعه و در نزد افرادی از قومی واحد عملاً احتمال زمینه سازی برای تحقق نظم نوین را به صفر می رساند.

با تداوم یافتن چنین اوضاعی اساساً بعثت نبی مکرم اکرم(ص) به عنوان نقطه پایانی وضع موجود اتفاق افتاد و رسالت پیامبر(ص) جمع بندی تاریخ ۷۵۰ساله پیش از خود بود تا جامعه مهبیای پذیرش دو قطبی تقابل حق و باطل شود و به جای آن که قومیتی از یک منظر بینشی واحد اما به واسطه شرایط اجتماعی حاکم، تمام نیرو و توان خود را صرف خنثی کردن منویات، دسیسه ها و توطئه های میان خود کنند، به فکر خنثی سازی جبهه طاغوت باشند که در پی این غفلت، جانی دوباره گرفته بود و درصدد تقویت مواضع خود بود.

گزارش از سجاد دبیریان  
ایکنا